

بررسی فرهنگی - حقوقی زیان‌های معنوی ناشی از رسانه‌ها بر نهاد خانواده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۷

خیرالله پروین*

سید محمدمهدی خلیل‌زاده**

علی اصغر فرج‌پور اصل مرندي***

چکیده

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در برابر سایر پدیده‌های اجتماعی از جمله رسانه از حقوقی برخوردار است. برخی از حقوق معنوی خانواده در قوانین و برخی هم در منابع اسلامی ذکر شده است. تبیین کامل این حقوق در برابر رسانه و تعیین کردن مواردی که رسانه‌ها این حقوق را نادیده می‌گیرند و منجر به ورود ضرر معنوی به نهاد خانواده و اعضای آن می‌شوند، ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش تلاش شده است که از بین ارکان مسئولیت مدنی و رژیم جبران خسارات معنوی به مطالعه عنصر ضرر و زیان پرداخته شود و زیان‌های معنوی ناشی از رسانه‌ها بر نهاد خانواده و اعضای آن بررسی و تحلیل گردد. این پژوهش مقدمه‌ای است برای اینکه در آینده با طراحی رژیم جبران خسارات معنوی ناشی از رسانه‌ها در نظام حقوقی ایران، قاضیان عادل بتوانند در پرونده‌های حقوقی رسانه‌ای، با اثبات استقرار ارکان سببیت به لزوم جبران آن حکم کنند و هیچ ضرر معنوی رسانه‌ای بدون جبران باقی نماند.

واژگان کلیدی

حقوق معنوی، خسارت معنوی، رسانه، خانواده، قانون‌گذاری اسلامی

Khparvin@ut.ac.ir

khalilzadeh.mahdi@yahoo.com

Farajpour @gmail.com

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

** کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی

*** دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

مقدمه

خسارت‌های معنوی از جهت نوع خسارت و همچنین ورود خسارت به اشخاص و نهادها یکسان نیستند. طبیعتاً خسارتی که توسط یک شخص بر شخصی دیگر وارد می‌شود با خسارتی که توسط یک پدیده ارتباطی بر یک واحد بنیادین اجتماعی یعنی خانواده وارد می‌شود، از حیث نحوه ورود خسارت، میزان و گستردگی جامعه هدف، متفاوت و بلکه غیرقابل قیاس است.

در عصر حاضر، رسانه‌ها با تأثیر بر سبک زندگی و الگوی بومی خانواده‌ها، سبب سوء معاشرت، سستی مبانی خانواده، دشوار شدن تربیت فرزندان، انحرافات در اخلاق و فرهنگ جنسی خانواده شده‌اند؛ امری که منجر به لطمات و خسارات معنوی به این نهاد طبیعی و اعضای آن می‌شود. انواع خسارات معنوی و مصادیق آن را می‌توان در دو دسته جای داد؛ در مورد دسته اول باید بیان داشت که برخی از خسارت‌های معنوی فقط در مورد خانواده خصوصیت دارد. آن هم وقتی که به‌عنوان یک نهاد اجتماعی به آن نگاه شود. این موارد عبارت‌اند از حق بر تحکیم خانواده، حق بر حسن معاشرت در خانواده، حق بر اخلاق جنسی سالم و تربیت فرزندان و غیره. دسته دیگر از خسارات مانند خسارت بر حیثیت، شهرت و اعتبار خانوادگی و نقض حریم خصوصی خانوادگی که مختص به خانواده نیست؛ بنابراین نقض هر یک از حقوق ذیل که مختص به خانواده است به‌منزله خسارتی معنوی است که از ناحیه رسانه بر خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی وارد می‌شود. ثانیاً برخی از اعضای خانواده از ویژگی‌هایی برخوردارند که موضوع خسارت معنوی در رابطه با آن‌ها خصوصیت دارد؛ مانند کودکان که در برابر نمایش رفتارهای ضد اجتماعی و مجرمانه بیشتر تأثیر می‌پذیرند. در نتیجه به تقلیدهای خطرناک می‌پردازند. در مورد زنان نیز حساسیت‌هایی وجود دارد. این‌ها گروه‌های آسیب‌پذیر هستند که نظام بین‌الملل حقوق بشر، حمایت‌های ویژه‌ای را از آن‌ها به عمل می‌آورد.

در این نوشتار، با توجه به مفروض این پژوهش، خسارات معنوی ناشی از رسانه و انواع خسارات بر نهاد خانواده تشریح می‌شود. در بخش اول به واکاوی مفهومی خسارت معنوی و تعریف آن و مبنای آن می‌پردازیم و سپس در چهار بخش جداگانه تحت عناوین؛ خسارت بر حیثیت، شهرت و اعتبار خانوادگی، نقض حریم خصوصی

خانوادگی، نقض حق بر تحکیم و تشدید مبانی خانواده و نقض حق بر تربیت فرزندان، خسارات معنوی رسانه بر خانواده تبیین می‌شود. در این کاوش، سعی بر آن شده است که نظام بین‌الملل حقوق بشر و قواعد حقوقی حاکم در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلیس به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی خسارات معنوی ناشی از رسانه بر نهاد خانواده

خسارت‌های معنوی از جهت نوع خسارت و همچنین ورود خسارت به اشخاص و نهادها یکسان نیستند. طبیعتاً خسارات اشخاص بر دیگری با خسارات پدیدآمده توسط رسانه‌ها از حیث نحوه ورود خسارت، میزان و گستردگی جامعه هدف، غیرقابل مقایسه می‌باشد. از این‌روست که بایستی به تعریف این مفهوم مدرن حقوقی پرداخت. پروفیسور آندره تنک در تعریف خسارت معنوی می‌نویسد: «خسارت معنوی عبارت از هر نوع خسارت غیرمالی است که با مداخله در حقوق مربوط به شخصیت به وجود می‌آید و یا اینکه مستلزم دخالت در شخصیت است و اقسام مختلف آن مثل درد جسمی و رنج روحی ناشی از برهم خوردن تعادل شخص یا تغییر قیافه یا تغییر شکل بدن و اعضای آن و اندوه ناشی از این تغییر یا خوف از بدتر شدن درد یا خوف از مرگ زودهنگام، جنبه‌های مختلف مداخله در شخصیت تلقی می‌شوند» (Andre, ۱۹۸۸, p.۴۲). در فرهنگ‌های حقوقی لاتین آمده است که خسارت معنوی، ضرری است که به شرافت، به اعتبار، به وابستگی و یا به عنصری از احساسات مربوط به زندگی شخص وارد می‌شود، مثل قطع غیرموجه قول ازدواج، مرگ همسر یا یک فامیل نزدیک و یا ضرر به زیبایی (Capitant, ۱۹۸۷, p.۶). در مورد ضرورت جرم‌انگاری آن به یک مورد حقوقی اشاره می‌شود؛ استدلال پالایه شدن «وی‌چت» در مورخه ۲۸ آذر ۱۳۹۲ در جلسه شورای کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در رابطه با مفروض دانستن فرض خسارت‌پذیری خانواده از رسانه جالب توجه است. طبق ماده ۲۲ قانون جرائم رایانه‌ای، این کارگروه با عضویت نمایندگان از سه قوه قضائیه، مجریه و مقننه (شامل ۶ وزیر از دولت، دو نماینده مجلس شورای اسلامی و به ریاست دادستان کل کشور) تشکیل جلسه می‌دهد. این کارگروه در استدلال پالایه شدن «وی‌چت» بیان می‌دارد که به دلیل

اینکه نرم‌افزار وی‌چت علاوه بر جمع‌آوری کلیه اطلاعات موجود در گوشی‌های کاربران و رصد ارتباطات اعضا، حریم خصوصی آن‌ها را نقض نموده و درعین‌حال این نرم‌افزار عامل انتشار بسیاری از محتوای مجرمانه غیراخلاقی و مستهجن که برای نوجوانان ضررهای جبران‌ناپذیری را به‌دنبال داشته و به خاطر آسیب‌های اجتماعی بسیار زیادی که برای جامعه در برداشته و دارد و همچنین به لحاظ اینکه ایجادکنندگان این نرم‌افزار در خارج از کشور قرار داشته و به‌هیچ‌وجه پاسخگویی تخلفات خود و شکایات خانواده‌های زیان‌دیده نبوده و نیستند؛ بنابراین کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در اجرای درخواست‌های متعدد خانواده‌های آسیب‌دیده ناچار به پالایه و مسدودسازی نرم‌افزار مذکور گردیده است. رسانه به‌واسطه بار فرهنگی که دارد، تأثیر بسیار زیادی بر چگونگی فرهنگ و نظام آموزشی افراد جامعه می‌گذارد، چراکه قدرت فوق‌العاده‌ای روی اذهان آدمی دارد، قدرتی که تاکنون سابقه نداشته است. اگر در مقابل نفوذ آن مقاومت نکنیم، ما را از جاده تمدن دور خواهد کرد (منادی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷ و یوستی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

با تعریف و ضرورت جرم‌انگاری، باید بیان داشت که مبانی حقوقی خسارات معنوی نیز با دو نظریه؛ تقصیر و خطر، و همچنین نظریه تعدد مبانی در عمل مطرح می‌باشد. در نظام حقوقی کامن‌لای انگلیس، هرچند سال‌ها پس از نظام حقوقی فرانسه، به‌تدریج این تمایل به وجود آمد که مسئولیت بر مبنای تقصیر استوار شود، یعنی کسی مسئول باشد که از نظر اخلاقی مرتکب خطا شده است. این تحول تا پایان قرن نوزدهم ادامه داشت، و تنها در این تاریخ است که می‌توان ادعا کرد نظریه تقصیر به‌طور کامل در کامن‌لا پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸). درعین‌حال بایستی توجه داشت که در کامن‌لا تقصیر مبنای واحد و انحصاری مسئولیت نمی‌باشد و آرای مختلف و متشکلی موجود است که هرکدام نوعی از مسئولیت را پذیرفته است، به‌گونه‌ای که برخی نویسندگان مبنای مسئولیت مدنی در کامن‌لا را تقصیر می‌دانند و در مقابل برخی با این نظریه مخالف‌اند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹). ولی با همه این بحث‌ها، با صنعتی شدن جوامع، نارسائی‌های نظریه تقصیر، بیش‌ازپیش آشکار گشت و حقوق‌دانان نظریه خطر را جایگزین تقصیر نمودند. بر اساس نظریه خطر، عامل یک فعالیت به‌طور مثال

فعالیت رسانه‌ای، باید در مقابل خسارت ناشی از فعالیتش پاسخگو باشد، حتی اگر مرتکب تقصیری نشده باشد. در اینجا فرض بر این است که افراد با فعالیتشان، فضای خطرناکی را رقم می‌زنند. مسئولیت افراد در مقابل خسارات ناشی از اشیاء تحت حفاظت آنان، نتیجه همین تحول بود (Bénabent, ۱۹۹۱, p.۳۹۲). البته در تمامی نظریات، بایستی رابطه سببیت احراز شود چراکه بر اساس یک قاعده سنتی، مسئولیت مدنی ناشی از شبه جرم، نیازمند وجود یک رابطه سببیت مؤثر بین ضرر و فعل زیان‌بار است (Le Tourneau, ۲۰۰۲, p.۱۷۹۷).

با همه این موارد، باز مفاهیمی همچون ضرر و خسارات معنوی، مفهومی سیال و مبهم می‌باشد. در حقوق فرانسه برای نخستین بار در یکی از آرای صادره از دادگاه آن کشور در مورد ضرر معنوی به «آشفستگی در جوانب حیات بشر» معنی شده است. بوریس استراک^۱ نیز از جمله حقوق‌دانانی است که بر این نظریه صحه گذاشته است. ژيورد در رساله ترمیم خسارت معنوی، برای هر انسان سه نوع شخصیت اجتماعی، عاطفی و جسمی قائل شده است. او لطمه به هر یک از شخصیت‌ها را مایه خسارت معنوی تلقی کرده است. او زیان وارده به حیثیت، شهرت، اعتبار و آزادی‌های مشروع را لطمه به شخصیت اجتماعی و ایجاد هر نوع زیان عاطفی را لطمه به شخصیت عاطفی و آسیب وارده به سلامت و تمامیت جسمانی را که موجب درد و اندوه جسمی یا صدمات روحی می‌شود، لطمه به شخصیت جسمی می‌داند و زیان معنوی به جسم را به دو قسم تقسیم کرده است: خساراتی که لطمه به زیبایی می‌زنند و خسارات ناشی از تألم جسمی (Givord, ۱۹۳۸, p.۷۳).

۲. سنخ‌شناسی خسارات معنوی ناشی از رسانه بر نهاد خانواده

خسارات معنوی ناشی از رسانه بر نهاد خانواده، انواعی دارد. در ذیل، این خسارات معنوی در چهار بخش جداگانه تحت عناوین؛ خسارت بر حیثیت، شهرت و اعتبار خانوادگی، نقض حریم خصوصی خانوادگی، نقض حق بر تحکیم و تشدید مبانی خانواده و نقض حق بر تربیت فرزندان تحلیل می‌شود.

۱-۲. خسارت بر حیثیت، شهرت و اعتبار خانوادگی

هتک حرمت یک خانواده و از بین بردن آبرو و موقعیت اجتماعی او از طریق اظهارات توهین آمیز کتبی و یا شفاهی در حضور یا غیاب آن‌ها از روی عمد یا سوءنیت یا بدون آن، مانند نسبت دادن جرائمی مثل بی‌عفتی، هتک ناموس، ابتلاء به یک بیماری خاص و ... از طریق رسانه‌های گروهی خسارت‌هایی است که بر آبرو و اعتبار خانوادگی وارد می‌شود. چنین خسارتی که بر موقعیت خانوادگی وارد می‌شود، در برخی موارد آن‌چنان شدید است که اعاده اعتبار به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و بازتاب اجتماعی آن حتی تا پایان عمر اعضای یک خانواده و پس از آن باقی می‌ماند و به دنبال خود زیان‌های مالی و معنوی دیگری را نیز در بردارد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۶۷). مهم‌ترین و شایع‌ترین مصادیق هتک حرمت رسانه‌ای، افترا و توهین می‌باشد. در جرم افترا، حیثیت و شرافت فردی مورد تعرض قرار می‌گیرد. ارتکاب جرم افترا نیاز به عناصر خاص خود دارد که صراحت و خلاف حقیقت بودن و از پیش خود ساختن و جعل اسناد، از عناصر اصلی آن می‌باشد (توکلی، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

مصادیق دیگر هتک حرمت، توهین است. در توهین به‌عنوان یکی از مصادیق هتک حرمت که توسط رسانه جمعی به خانواده وارد می‌شود، باید اظهارات بیان‌شده توسط رسانه، خلاف واقع باشد؛ اما عده‌ای بیان اظهارات صحیح را نیز در برخی موارد، مخالف حقوق افراد دانسته و آن را نوعی تهمت می‌دانند. در پاسخ باید گفت که اظهار حقیقت، تهمت نیست چراکه تهمت آن چیزی است که خلاف واقع باشد، اما اظهار حقیقت و واقع نیز می‌تواند موجب مسئولیت مدنی باشد، چراکه ممکن است از مصادیق نقض حریم خصوصی افراد تلقی گردد (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۵).

با توجه به مطالب مزبور، رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند در اقدامات خود مرتکب توهین شوند. بدین نحو که در خصوص خانواده‌ای، الفاظی را استعمال کند یا تصاویری را پخش کند که باعث توهین به آن خانواده گردد. تبصره ۲ ماده ۳۰ از قانون مطبوعات که راجع به توهین است بیان می‌کند: «هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید هر یک از ورثه قانونی می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.» در

مورد مذکور شاکی (اعم از حقیقی و حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید. علی‌القاعده، دادگاه پس از استقرار ارکان مسئولیت مدنی، حکم به جبران خسارت معنوی وارده خواهد داد. حکم به جبران خسارت معنوی می‌تواند از مصادیق ماده ۲۳ همین قانون محسوب و روزنامه ملزم به عذرخواهی کتبی در روزنامه و درج پاسخ توهین شونده به صورت رایگان باشد.

در نظام حقوقی انگلیس، خسارت معنوی ناشی از رسانه تحت عنوان خسارات غیر قراردادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این کشور بسیاری از اعمال زیانباری که موجب خسارت معنوی است مانند هتک حرمت و توهین به اعتبار خانوادگی، نقض حریم خصوصی خانواده و... جرم تلقی می‌شود. باین‌حال تعقیب کیفری آن‌ها متروک مانده و امروز به‌عنوان اسباب مسئولیت مدنی به شمار می‌آیند تا جایی که کارگروه حقوقی پیشنهاد، نسخ برخی از این قوانین جزایی را نموده است؛ بنابراین بسیاری از اعمال زیانبار که موجب ایراد خسارت معنوی است، اعم از اینکه جرم باشند یا نباشند، تحت عنوان مسئولیت مدنی^۲ قابل پیگیری است. از آنجاکه نظام حقوقی انگلیس، از نوع نظام‌های عرفی و کامن‌لا بلکه نمونه بارز و احسن رژیم حقوقی کامن‌لا می‌باشد، بنابراین باید به چند پرونده حقوقی که رویه قضایی انگلستان به آن‌ها استناد می‌کنند و به عبارتی پرونده‌های رویه‌ساز می‌باشند، اشاره نمود. در دعوی کاسیدی ضد نشریه آینه روزنامه‌ای، عکس زن و مردی را چاپ نمود که ذیل آن این جمله نوشته شده بود: «آقای الف و دوشیزه ب که نامزدی‌شان اعلام گردید» درحالی‌که آقای الف از پیش با خانم ب ازدواج کرده بود. خانم ب با ادعای اینکه این واژه‌ها به نحو تلویحی بر این معنا دلالت می‌کنند که او با آقای الف، رابطه نامشروع دارد و بسیاری از دوستان چنین می‌اندیشند، ضد صاحب‌امتیاز روزنامه شکایت کرد. دادگاه رأی داد که خواهان باید ۵۰۰ پوند خسارت دریافت نماید، اگرچه خواندگان آن را بدون سوءنیت انجام داده‌اند.^۳

در پرونده‌ای دیگر، یک روزنامه انگلیسی گزارشی از محکومیت شخصی با نام «هارولد نیواستید، مرد سی‌ساله‌ای از کمبرول» منتشر کرد. این گزارش در مورد شخصی

که در رستوران کار می‌کرد صادق بود؛ ولی اتفاقاً شخصی دیگر با نام هارولد نیواستید و سی‌ساله وجود داشت که در کمبرول زندگی می‌کرد. فرد مذکور ضد خوانندگان اقامه دعوا نمود دادگاه رأی داد که خواهان مستحق غرامت است (نقیبی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۴).

۲-۲. نقض حریم خصوصی خانوادگی

تعریف دقیقی از حریم خصوصی در حقوق مطرح نشده و شاید علت آن، واضح بودن آن باشد. شاید بتوان حریم خصوصی افراد را قلمرویی در زندگی افراد توصیف کرد که هیچ‌کس حق ورود به آن را ندارد و ورود به آن قلمرو، نیازمند کسب اجازه است. ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی دولت هشتم، در تعریف حریم خصوصی آورده است: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند». مثلاً انتشار عکس مراسم عروسی والیبالیست معروف از طریق نشریات و جراید، نقض حریم خصوصی است و قطعاً متشرکننده آن، مرتکب فعل زیان‌بار شده است.^۴

قانون اساسی به‌عنوان میثاق حقوقی کشور، در اصول مختلفی، رعایت حریم خصوصی افراد را مورد تأکید قرار داده است و قطعاً تخطی از آن‌ها با هر منطبق یا توجیهی جز در موارد مجاز قانونی، فعل زیان‌بار بوده و موجب ضمان است. در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین در اصل ۲۵ بیان شده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». در قوانین عادی نیز، قانون مجازات اسلامی به موضوع نقض حریم خصوصی و مجازات آن پرداخته است. در مجموع این

مواد بانضمام ماده یک قانون مسئولیت مدنی، به‌راحتی قابل استنباط است که اگر رسانه جمعی، مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه، وب‌گاه‌ها و ... به حریم خصوصی خانوادگی تجاوز نمایند، علاوه بر مجازات مقرر در قانون مجازات، در صورتی که به شخص ضرر مادی یا معنوی وارد کنند، می‌بایست محکوم به پرداخت خسارت آن شود و علی‌القاعده، انتشار اسرار خصوصی و علنی کردن آن، مصداق بارز فعل ضار و زیان‌بار است. مکاتبات و مراسلات خانوادگی، روابط زناشویی، حریم منزل و محل سکونت و اقامت موقت یا دائم، عکس و آلبوم خانوادگی، بیماری، مشکلات عاطفی و خانوادگی و ... قبل از آنکه موجب خسارت مالی شود منجر به خسارت معنوی و رنج و ناراحتی و کاهش اعتبار اجتماعی می‌شود (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۷۳). ماده هشت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در همین راستا بیان می‌دارد: «هرکسی حق دارد که حریم و زندگی خصوصی وی، خانواده‌اش، خانه و مکاتباتش، از تعرض مصون باشد...»^۵ البته طبق قاعده «تحدیر» یا «هشدار»، بدین معنا که اگر کسی عواقب کار مخاطره‌آمیز را به دیگری هشدار داد و فرد مخاطب به هشدار توجهی ننمود و خسارتی دید، هشداردهنده مسئول جبران خسارت نیست. طبق همین مبنا، در برخی موارد اقدامات رسانه، نقض حریم نمی‌باشد؛ به‌عنوان نمونه کسی که به ورزشگاه آزادی می‌رود، اگر در حال کشیدن سیگار و در حین پخش مسابقه، تصویر او از تلویزیون پخش و همسرش با مشاهده شوهرش در حال سیگار کشیدن، منزل را رها و همین امر باعث افزایش اختلاف و طلاق فی‌مابین آن‌ها گردد، آن فرد نمی‌تواند از رسانه مذکور شکایت و مطالبه خسارت کند، چراکه قبل از ورود به ورزشگاه باید بداند که ممکن است در هر حالتی تصویر او در تلویزیون پخش شود.

با این حال در برخی موارد خسارت معنوی ناشی از نقض حریم خصوصی خانواده بسیار سنگین است. وب‌گاه‌های خبری در مقام ذکر بعضی از مصادیق می‌نویسند: صفحات حوادث روزنامه‌ها را ورق می‌زنیم و با این خبرها روبه‌رو می‌شویم: «دختر جوانی به خاطر پخش فیلم خصوصی که مربوط به جشن تولد یکی از دوستانش بوده و او هم در آن مراسم حضور داشته، دست به خودکشی زد». ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۷۸ بیان می‌کند: «هرکس به‌وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا

تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». همچنین بند (ج) پیش‌نویس راهنمای تولیدکنندگان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۷ تصریح می‌کند که افشای هویت مجرمان و سوابق کیفری افراد تنها در صورت وجود «نفع عمومی» و با رعایت شیوه‌هایی برای به حداقل رساندن ناراحتی برای آسیب دیدگان یا خانواده آن‌ها و همچنین خانواده مجرمان، مجاز است. از این روست که در استفاده از عناوین مظنون، متهم، مجرم یا محکوم و سابقه‌دار باید دقت شود. به‌طور مثال استفاده از واژه محکوم یا مجرم برای اطلاع‌رسانی در مورد متهم جایز نیست.

مسئله دیگر به انتشار آرای دعاوی خانوادگی مربوط می‌شود. غیرعلنی بودن دادگاه‌های خانواده، در همه قوانین مربوط به خانواده و به‌ویژه در ماده ۲۴ قانون حمایت از خانواده قانون سال ۱۳۵۳ در نظر گرفته می‌شود. مطابق اصل ۱۶۵ نیز اصل بر علنی بودن دادگاه است؛ اما سؤال این است که آیا علنی بودن دادگاه، به معنی مجاز بودن رسانه‌ها در انتشار گزارش دادگاه و آراء صادره می‌باشد؟ تبصره یک ماده ۱۸۸ آیین دادرسی کیفری سابق به این سؤال پاسخ می‌دهد: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد لکن انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتتری محکوم می‌شود»؛ و همچنین طبق ماده ۳۵۲ قانون کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز محاکمات دادگاه، علنی است مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه صادر می‌کند؛ و طبق ماده ۳۵۳ این قانون، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی و موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است. در

واقع در قانون جدید انتشار جریان رسیدگی که متضمن افشای هویت اشخاص درگیر پرونده اعم خانوادگی و غیر خانوادگی به‌طور مطلق ممنوع شده است.

بنابراین رسانه‌ها حق انتشار جریان دادرسی دعاوی خانوادگی را ندارند و در صورت تخلف از ماده فوق، ضمن محکومیت کیفری، علی‌القاعده بر طبق قواعد و ارکان مسئولیت مدنی، در صورتی که موجب خسارت معنوی گردند، می‌بایست در صورت تقاضای زیان‌دیده، نسبت به جبران آن اقدام نمایند.

در نظام حقوقی انگلیس، دستورالعمل برنامه‌سازی رادیو و تلویزیون انگلستان (بی‌بی‌سی) در فصل دوازدهم با عنوان گزارش جرائم در مبحث مشارکت در جرم بیان می‌دارد که برنامه‌های گزارش‌کننده جرائم، باید به یاد داشته باشند که خانواده‌های مجرمان، بی‌گناه تلقی می‌شوند؛ مگر آنکه حکم دادگاه غیر از این باشد. حتی از برخی جهات، می‌توان خود آن‌ها را قربانی فرض کرد. ما نباید تصور مشارکت آنان در جرم را در مخاطب ایجاد کنیم؛ اگرچه گزارش کامل واقعیات مربوط به مجرمان مشهور، ممکن است لزوماً گزارش شرایط و وضعیت خانوادگی آنان را هم به دنبال داشته باشد. ما باید همواره سعی کنیم برای افراد بی‌گناه، اسباب ناراحتی بی‌مورد فراهم نشود. فصل چهارم از این دستورالعمل با عنوان حفظ حریم‌ها و گردآوری اطلاعات در مبحث تشییع جنازه‌ها تصریح می‌کند: «به‌طور عادی، برنامه‌های مربوط به تشییع جنازه باید فقط با اجازه خانواده متوفی تهیه و پخش شوند. اگر قرار باشد خواسته‌های خانواده متوفی نادیده گرفته شوند، باید دلایل خوبی برای این کار وجود داشته باشد. ما باید مطمئن باشیم که پوشش خبری تشییع جنازه با حساسیت توأم است؛ از فضولی و کنجکاوی پرهیز کنیم؛ مثلاً تصاویر درشت از چهره افراد سوگوار نباید گرفت. مبحث دیدن دوباره وقایع گذشته از همین فصل بیان می‌کند که برنامه‌هایی که بررسی وقایع گذشته، مرتبط با صدمه به اشخاص را دارند، باید راه‌هایی را هم برای به حداقل رساندن ناراحتی قربانیان زنده جرائم یا بستگان زنده قربانیان، در اثر بازگویی داستان بیندیشند. تا آنجا که به‌صورت معقول ممکن باشد، قربانیان زنده یا بستگان نزدیک کشته‌شدگان را که در برنامه شرکت می‌کنند، باید از برنامه‌های بی‌بی‌سی مطلع کرد. انجام ندادن این کار ممکن است نوعی نقض حریم خصوصی تلقی شود؛ حتی اگر وقایع یا مطالب موردنظر قبلاً یک‌بار به‌صورت عمومی

مطرح شده باشند. برنامه فقط در صورتی باید علی‌رغم مخالفت افراد دخیل در مسئله، ادامه پیدا کند که مصلحت عمومی آشکاری وجود داشته باشد.

۲-۳. نقض حق بر تحکیم و تشدید مبانی خانواده

رسانه‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تحولات خانواده در دگرگونی روابط درونی بین اعضای آن نقش اساسی داشته‌اند (ملک‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۲۹). خانواده یک واحد اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و با به دنیا آمدن فرزندان توسعه و استحکام می‌یابد. از آنجاکه استحکام خانواده در تحکیم جامعه انسانی اسلامی تأثیر مثبتی دارد دین اسلام به‌صورت ویژه‌ای به تحکیم و ثبات خانواده عنایت کرده است؛ و کلیه اصول حاکم بر روابط خانواده را بر این اصل مبتنی نموده است. از مجموعه آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که قرآن حتی در زمانی که احکام حقوقی طلاق را بیان می‌کند، سعی بر حفظ و تحکیم خانواده دارد و تا آنجا که امکان دارد شرایطی را برای طلاق تعیین کرده که در صورت بروز اختلاف‌های جزئی، زن و مرد نتوانند به‌راحتی از هم جدا شوند (مهدوی کنی، ۱۳۹۲، ص ۸).

در نظام حقوقی ایران نیز در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی بیان می‌کند: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». لازم به ذکر است که مصادیقی مانند حسن معاشرت، تشدید مبانی، تربیت اولاد و... هرچند در قانون مدنی و اساسی به‌عنوان تکلیف زوجین و والدین ذکر شده است ولی باید توجه داشت که این امر در درون خانواده و روابط میان اعضای آن است؛ اما وقتی به خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی می‌پردازیم این حقوق را برایش قائل می‌شویم. در واقع هر آنچه را در درون خانواده برای حفظ و ترفیع آن تکلیف بدانیم در مقابل سایر پدیده‌های اجتماعی مثل رسانه، از حقوق خانواده محسوب می‌شود. اگر با رویکرد تضایف و همراهی «حق» و «تکلیف» و یا «حقوق» و «مسئولیت‌ها» به حقوق معنوی خانواده و اعضای آن در برابر رسانه نگاه شود، روی دیگر سکه، تکالیف رسانه است. رسانه‌ها با درک این تقابل که بدون مسئولیت، هیچ‌گونه حقی را نمی‌توانند ادعا یا مطالبه کنند، دست‌به‌کار شده‌اند؛

از این رو در عموم مقررات و قوانین رسانه‌ای به مسئولیت رسانه‌ها اشاره شده است تا بدین وسیله حافظ حقوق آن‌ها باشد (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

شارحین قانون مدنی در مورد تفسیر ماده ۱۱۰۴ به سعی و کوشش زوجین در نزدیکی به اخلاق و عادات یکدیگر و تحکیم خانواده و تبدیل آن از صورت تأسیس حقوقی به خانواده مبتنی بر محبت اشاره کرده‌اند. همچنین به اتفاق، اطاعت زوجه از ریاست زوج، اقدام در مدیریت خانه از سوی زن، عدم ابتلا به اعتیاد مضر که به اساس خانواده خلل وارد کند از جمله مصادیق این ماده بیان شده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۶۰). برخی حقوقدانان در مورد جایگاه خانواده در سنت فرانسوی کبک کانادا این نتیجه را گرفته‌اند که نه شخصیت حقوقی و نه حق ارث بردن (میراث) و نه حقوق مدنی دارد. آن‌ها همچنین ادامه داده‌اند که به رسمیت شناختن خانواده به‌عنوان یک کل بیشتر اثر اجتماعی دارد تا جنبه حقوقی (Lavallée, ۱۹۹۸, p.۲۹۲)؛ البته حقوقدانان با این طرز تفکر، به مقابله برخاسته و حق بر زندگی خانوادگی در راستای شناسایی شخصیت حقوقی مستقل خانواده مطرح شده است. ایده شخصیت حقوقی در عالم حق‌ها، برای برخی کشورها از جمله انگلستان و آمریکا و چین ناآشنا و مفهوم آن برای آن‌ها غریب بود، به طوری که در مسیر تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و در ماده شش آن که مربوط به شخصیت حقوقی می‌باشد، آن‌ها مخالفت ورزیدند. ولی با حمایت و فشار فرانسه و شوروی از مفهوم شخصیت حقوقی، در نهایت این ماده به رشته تحریر درآمد (Archive, ۲۰۱۲, p.۱). اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری پنجم ۱۹۵۸ که صلاحیت‌های تقنینی مجلس فرانسه را برمی‌شمارد، لفظ خانواده را به‌صراحت نیاورده است ولی می‌توان پذیرفت که ذیل احوال شخصیه و اهلیت اشخاص بحث را مطرح کرده است و تقنین در حوزه حقوق خانواده را در انحصار مجلس دانسته است (Parquet, ۲۰۰۷, p.۱۵).

در مورد منشأ آن، اعطای شخصیت حقوقی به خانواده را بایستی در اندیشه و فلسفه حقوق جستجو کرد. این به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی، حرکتی در مقابل فردگرایی افراطی و اصالت فردی بود که قبل‌ها آغاز شده بود. این به‌مثابه یک حرکت تحول‌گرای انتقادی هستی‌شناختی بود که پایه‌های قانون مدنی فرانسه را که بر اصالت

فرد افراطی استوار بود، لرزاند و در نهایت در قانون اساسی جمهوری چهارم درهم شکست (Millard, ۲۰۰۰, p.۲).

در عین حال باید دانست تحکیم خانواده بیشتر بر مبنای پذیرش و عمل بر اصول و اعتقادات اخلاقی می‌باشد و مسائل حقوقی صرفاً در این زمینه کفایت نمی‌کند. شریعت مقدس نیز برای تقویت روابط زن و شوهر، توصیه‌های متعددی در شرایط مختلف نموده است. به عنوان مثال می‌توان از حسن معاشرت، اظهار محبت، عفت کلام، سهل‌گیری در معیشت، امنیت و آرامش و حتی الگوهای رفتاری در حین جدایی و طلاق نام برد (مهدوی کنی، ۱۳۹۲، ص ۹). نقش رسانه‌ها در تحکیم و فرهنگ‌سازی در جهت تشدید مبانی خانواده و معاضدت در این است که می‌توانند هنجارها و ارزش‌های اخلاقی موجود در جامعه را تقویت یا تضعیف نمایند. هنگامی که رسانه باورهای اخلاقی و اعتقادی یک فرد را به تقدس نهاد خانواده و روابط مبتنی بر اخلاق کمرنگ می‌کنند و یا از بین می‌برند نوعی رهایی رفتاری در او پدید می‌آید به طوری که خود را از قید و بندهای گذشته رها حس می‌کند. این در حالی است که اگر رسانه‌ها این باور را در مخاطب ایجاد کنند که برخی رفتارهای انحرافی او درست نیست، مشارکت در آن رفتار برای او دور از تصور است (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶). مسئله دیگری که در رابطه با تحکیم و تشدید مبانی خانواده باید ذکر شود، آسیب‌های اجتماعی خطرناکی است که ممکن است در اثر تغییر الگوها و سبک هنجاری نهاد اجتماعی خانواده اتفاق بیفتد. یکی از جدی‌ترین این آسیب‌ها طلاق است. تحقیقات نشان‌دهنده بالا رفتن میزان طلاق و جدایی، به تأخیر افتادن سن ازدواج دختران و تولید نخستین فرزند آن‌ها، محدود شدن تعداد فرزندان، افزایش تعداد و نسبت زنان دارای تحصیلات عالی و نشان‌دهنده تغییرات پدید آمده در نهاد خانواده است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵). طلاق نیز مانند سایر آسیب‌های اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی است و تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای در این مورد می‌تواند به صورت غیرمستقیم باشد. در واقع رسانه‌ها نقشی کلیدی در تبیین شکل‌گیری فشار ناشی از خلأ هنجاری^۶ ایفا می‌کنند. رسانه‌ها ممکن است با ارائه تصاویری از چشم و هم‌چشمی عمومی در برخورداری از یک

زندگی مرفه، احساس محرومیت نسبی را تشدید کنند و موجب وارد آمدن فشار برای رسیدن به سطوح بالای موفقیت شوند (Siegel, ۲۰۰۳, p.۹۳).

مبحث نقض حق بر تحکیم و تشدید خانواده را در دو محور رسانه و حسن معاشرت، رسانه و اخلاق جنسی در خانواده بررسی می‌کنیم.

۲-۳-۱. رسانه و حسن معاشرت در خانواده

حسن معاشرت، مفهومی قرآنی است که از آیه شریفه «عاشروهنّ بالمعروف» (نساء: ۱۹) اخذ شده است. این مفهوم از دیدگاه مفسرین قرآن تعابیر مختلفی دارد، اما همه تفاسیر در جهت بیان مصادیق معروف با توجه به عرف جامعه، مشترک می‌باشند (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۷۹). در حقوق ایران معنای این آیه در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی وارد شده است که مطابق آن، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند. همسری زن و مرد بدین معنی است که سلوکشان، با خوش‌رویی و مسالمت و مهربانی آمیخته باشد و باید از اعمالی که سبب ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه فراوان در دیگری است، پرهیزند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵). همچنین در حقوق ایران، خوش‌رویی و مسالمت زوجین با یکدیگر، مهربانی و دوری از اعمال موجد کینه و آزاردهنده و دوری از داد و فریاد یا ناسزا و مجادله، حسن معاشرت محسوب می‌شود (داور، ۱۳۸۰، ص ۳۲). در خصوص مصادیق حسن معاشرت، حقوقدانان موضوع را به عرف احاله داده‌اند، زیرا حسن سلوک، مفهوم عرفی دارد و به حسب زمان و مکان، آداب و رسوم اقوام، طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۵۹). به اعتقاد حقوقدانان دستور حسن معاشرت مندرج در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی صرفاً یک دستور اخلاقی نیست و ضمانت اجرای قانونی دارد، ولی به عقیده بعضی از صاحب‌نظران مدلول این ماده ارشادی است و تخلف از آن، اثر حقوقی و جزایی نخواهد داشت، مگر اینکه سوء معاشرت تشدید شود. یکی دیگر از مسائلی که رسانه‌ها بر حسن معاشرت در خانواده تأثیر داشتند، همانا تبدیل فضای اجتماعی خانواده به فضای انفرادی و فردگرایانه بود که احساس بی‌معنایی و کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را به دنبال داشت (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۲)؛ در مقابل، یکی از ویژگی‌های خانواده، به‌عنوان نهادی

اجتماعی، مقدم بودن فرهنگ جمع‌گرایی بر خواسته‌های فردی است. در نتیجه، فردگرایی افراطی را گسترش داده، زندگی جمعی در نهاد خانواده را تضعیف، و انسجام و همبستگی خانواده را نابود می‌کند (قلیوبی، ۱۳۹۱، ص ۴۱).

۲-۳-۲. رسانه و خشونت خانوادگی

ایجاد فضای خشن و آزاردهنده از مصادیق سوء معاشرت می‌باشد. خشونت زناشویی^۷ به دو صورت همسرآزاری و شوهرآزاری قابل بررسی است که البته شکل غالب آن زن آزاری یعنی خشونت شوهر نسبت به همسر خود از کمیت بالاتری برخوردار است؛ از آنجاکه این نوع خشونت اغلب در درون محیط خانواده روی می‌دهد و کمتر در جامعه شاهد آن هستیم، آمارهای موجود نمی‌تواند معرف وضعیت روشنی از آن باشد (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱). رسانه‌ها می‌توانند به صورتی پنهان، قالب‌های خاص فرهنگی را در ذهن فرد ایجاد کنند، این قالب‌ها می‌تواند نوعی اقتدار در شکل مردسالاری یا تسلط مرد بر زن و همچنین روابط ناسالم با فرزندان باشد. به عقیده برخی نظریه‌پردازان، خشونت علیه زنان هم، مشکل شخصی یا خانوادگی نیست، بلکه تأیید نوعی خاص از نظم اجتماعی است و می‌توان آن را ناشی از این باور اجتماعی فرهنگی دانست که زنان کم‌اهمیت‌تر و کم‌ارزش‌تر از مردان می‌باشند (Dobash, 1979, p.15). القای یک تفکر یا روش غلط در هر یک از زمینه‌های رفتاری می‌تواند به تشدید یا شکل‌گیری آسیب‌های جدید منجر شود. از این‌روست که سازمان جهانی بهداشت، اولین هدف خود در مورد خشونت علیه زنان را «شناخت مسئله خشونت علیه زنان» قرار داده است. پنج اولویت اول برنامه‌های مبارزه با خشونت علیه زنان سازمان، شامل ایجاد سیاست‌های همگانی، ایجاد محیط‌های حمایت‌کننده، بازنگری خدمات دولتی، تقویت اقدام جامعه برای مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی مردم برای زندگی عاری از خشونت می‌باشد (لیبی، ۱۳۸۸، ص ۵). رسانه‌ها در تمامی این پنج مورد، نقش مهمی ایفا می‌کنند. با همه این بحث‌ها، هنوز خشونت خانوادگی در تمامی کشورها، حتی در کشورهایی پیشرفته‌ای که قوانین حمایتی محکمی جهت جلوگیری از خشونت علیه خانواده دارند، نگران‌کننده است (Clein,)

۲۰۰۴, p.۲۵). پخش صحنه‌های خشن در رسانه‌ها، رفتار خشن را در افراد برمی‌انگیزد چراکه خشونت، تمایل به خشونت را کاهش نمی‌دهد بلکه خشونت موجد خشونت است، مشاهده خشونت در تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری در میان تماشاگران می‌گردد (ارنسون، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶).

۲-۳-۳. رسانه و اخلاق جنسی در خانواده

در کنار تأکیدات دین مبین اسلام بر اهمیت سلامت جنسی در خانواده، امروزه از لحاظ اجتماعی هم، ثابت شده است مهم‌ترین اصول خانواده، اعتماد، وفاداری، اخلاق، ثبات و آرامش است. ولی در حال حاضر، نتیجه اقدامات رسانه‌های غربی باعث عمومی شدن مسائل خصوصی و پرده‌داری و نابودی بنیان‌های اخلاقی و حریم‌شکنی و گسیختگی بنیان خانواده می‌شود. شبکه‌های ماهواره‌ای با پخش فیلم‌های جنسی و تصاویر مستهجن، مخاطب را در عرصه خیال به سوی خشونت جنسی، خیانت به خانواده و سردی روابط می‌کشاند.

با ادامه روند فوق، ارزش‌های تشکیل‌دهنده اخلاق جنسی به سرعت دگرگون می‌شود. به طوری که در کشورهای غربی هم دیده می‌شود، زندگی خانوادگی به هیچ‌روی تصویری از هماهنگی و خوشبختی نیست (بهنام، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶ و گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۴۵۵). چنین مسائلی حتی در جوامع غربی نیز برعکس القای شبکه‌های ماهواره‌ای، به عنوان ناهنجاری قلمداد می‌شود.

در حال حاضر، با تغییر الگوهای جنسی توسط رسانه‌ها و هجمه‌شان به ارزش‌های دینی و سنتی پذیرفته‌شده در اخلاق جنسی خانواده‌ها، شاهد اضمحلال خانواده‌ها، گسترش خانواده‌های تک‌نفری و روابط آزاد، بلوغ زودرس کودکان و هرزه‌نگاری کودکان و نوجوانان، بیماری‌های روانی و اختلالات جنسی همچون افسردگی و سردمزاجی در روابط جنسی زوجین و بی‌اعتمادی آن‌ها و از بین رفتن آرامش و ثبات روابط و نیز بیماری‌های جنسی و جسمانی و بالا رفتن آمار جرائم جنسی همچون خیانت در روابط زناشویی و روابط زناشویی نامشروع و حریم‌شکنی و افزایش خشونت جنسی هستیم. این در حالی است که در شریعت اسلامی، دستورات و احکام

متعددی در رابطه با روابط جنسی وجود دارد که با رعایت آن، سلامت جنسی در خانواده تضمین خواهد شد. پس در مورد اخلاق جنسی، خسارات و زیان‌های معنوی ناشی از رسانه‌ها، باعث می‌شود که سبک زندگی و الگوهای مذهبی، سنتی و بومی خانواده‌ها به فراموشی سپرده شود و در درون خانواده‌ها تبعاتی همچون سوء معاشرت بین زوجین و اخلال در روند تربیتی فرزندان را به دنبال دارد.

مسئله دیگر ترویج خانواده‌های بدون ازدواج و هم‌خانگی‌هاست. تأثیر خانواده حداقل در دو بعد قابل توجه است. یک جنبه، مربوط به ثبات در الگوهای رفتاری خانواده است که منجر به سالم‌سازی الگوهای ارتباطی خانواده می‌شود، و دیگری بحث تحکیم و ثبات شخصی افراد خانواده است. تلویزیون‌های ماهواره‌ای با هدف قرار دادن تحکیم خانواده، هم الگوهای رفتاری خانواده و هم شخصیت افراد را به سوی سستی و تزلزل هدایت می‌کنند.

یکی از الگوهایی که ماهواره برای مخاطبان خویش در نظر می‌گیرد، تبلیغ آزادی‌های نامحدود و زندگی مشترک بدون ازدواج یا وصلت آزاد است که عملاً نوعی ازدواج بدون پیوندهای قانونی یا شرعی است. وصلت آزاد با داشتن فرزند نامشروع، اغلب مبتنی بر تمایل خودخواهانه فرد به دارا بودن اولاد است، ولی با این فرق که ضمناً می‌خواهد امکان حذف طرف مقابل را هم برای روزی که احیاناً چنین ضروری پیش آید، از دست ندهد (مورالی دانیو، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰). از دیدگاه «شرلین» هم، با تبدیل زودهنگام ازدواج از حالت عرف به یک دوستی و همدمی در این موقعیت، ازدواج به ازدواج فردی مبدل شده و در ازدواج فردی، هدف افراد بیشتر رفاه است. در این روش کسی حق ندارد آزادی جنسی را محدود کند و تحت ضابطه‌ای دربی‌آورد. نظام حقوق برخی کشورها، حقوق افرادی را که با هم زندگی می‌کنند، همانند حقوق زوج‌های متأهل به رسمیت شناخته است. با وجود این، هنوز تشکیل خانواده بدون ازدواج به‌عنوان جایگزین قابل توجهی برای ازدواج تثبیت نشده است. برنامه‌های ماهواره‌ای با ترویج این الگوی نابهنجار باعث می‌شوند دختران و پسران جوان، خود را ملزم به تشکیل خانواده نبینند و ترجیح دهند که این شکل از الگوی تشکیل خانواده را تجربه کنند (محمدی‌سیف، ۱۳۹۲، ص ۸۲).

در مقابل بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوق اسلامی و نظام بین‌الملل حقوق بشر از ازدواج رسمی بین زن و مرد حمایت می‌کند. تصریح و ظهور ماده ۱۶ اعلامیه جهانی فقط از حق ازدواج و حق تشکیل خانواده سخن گفته است^۸ و دولت‌ها به حمایت از ازدواج رسمی و خانواده متعهد شده‌اند؛ بنابراین رسانه‌های غربی نمی‌توانند با جو سازی و رسانه‌ای کردن موضوعات خانوادگی به دولت‌های خانواده‌محور فشار بیاورند و خواستار حمایت از ازدواج‌های سفید باشند؛ بنابراین هیچ تعهدی به حمایت از ازدواج سفید و زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی و به رسمیت شناختن آن نیست و بایستی به شدت با هر آنچه که بنیان‌های خانواده را تهدید می‌کند، برخورد کرد و گزارش‌های گزارشگران ویژه حقوق بشری در این خصوص باطل می‌باشد.

دین مبین اسلام و فقه امامیه نیز به‌عنوان منبع مبنای حقوقی قوانین کشور، ازدواج و انتخاب همسر را تحت عنوان تکامل و سنت حسنه، تقدس بخشیده و با تعیین حقوق و حدود و جایگاه شایسته برای هر یک از زوجین، خانواده سالمی را ترسیم کرده است. خداوند متعال در قرآن کریم، ازدواج را یکی از آیات کمال و عظمت الهی قلمداد کرده است و می‌فرماید: «و از نشانه‌های الهی این است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید تا در برابر او آرامش یابید و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود همانا در این امر برای مردم با خرد، علم و حکمت حق آشکاراست»^۹. بنابراین مبنا، اسلام ازدواج سفید را به‌گونه‌ای که زن و مرد بدون اینکه خطبه عقد یا صیغه محرمت بینشان جاری شود، غیرشرعی و حرام می‌داند. چراکه اسلام، ازدواج را پیوند طبیعی و سنتی از سنت‌های اجتماعی و امری فطری و غریزی معرفی می‌کند و هم‌زمان رهبانیت مسیحی و بی‌بندوباری غربی را رد می‌کند؛ بنابراین، زناشویی و ازدواج سفید، که مخالف کرامت انسانی و صرفاً دارای بعد مادی و شراکت اقتصادی و داشته‌های مادی زوجین و روابط نامحدود جنسی آن‌هاست، جامعه را به سمت ابتدال و فساد و بی‌مسئولیتی زوجین پیش می‌برد؛ بنابراین بایستی جلوی این ازدواج‌ها گرفته شود تا بنیان‌های خانواده دینی و سنتی حفظ شود.

یکی دیگر از نتایج نمایش مضامین غیراخلاقی در رسانه‌ها شهوانی شدن زیبایی^{۱۰} است که به‌طور مستقیم به بی‌حیایی جنسی^{۱۱} دامن می‌زند. این بی‌حیایی دارای دو بعد

فعال و منفعل است؛ یعنی هم به درجه عرضه یا نمایش بدن (بعد فعال کنش) و هم به درجه نگاه کردن یک کنشگر به کنشگر دیگر (بعد منفعلانه کنش) مربوط می‌شود. (Weinberg, ۱۹۵۷, pp. ۱۱۹ & ۱۲۸). امروزه، مبتکران مدهای تازه همواره در کار تنظیم نسبت میان برهنگی و پوشیدگی هستند تا بتوانند حداکثر جلوه و جاذبه را در این جنس و حداکثر اشتیاق را در آن جنس دیگر ایجاد نمایند (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۳۳). در همین راستا هم، شرکت‌های رسانه‌ای در صنعت پورنو مدت‌هاست که از زن به‌عنوان منظره‌ای برای لذت بصری یا لذت چشم‌چرانه استفاده می‌کند (Zoonen, ۱۹۹۴, p. ۸۴). در عرصه بیرونی در محافل غربی نیز شاهد تبلور زن‌صفتی برخی از مردان هستیم. به‌طوری که لوئیس فرخام، رهبر مسلمانان سیاه‌پوست آمریکا به جوانان سیاه‌پوست آن کشور هشدار داد که مواظب باشند رفتارشان همانند جکسون زن‌صفت نشود (Synnott, ۱۹۸۷, p. ۱۰۰).

یکی دیگر از مسائل برنامه‌های رسانه‌های غربی تحلیل «قاب» شبکه‌های ماهواره‌ای است. در بعضی از مجموعه‌ها، این موضوع حاد است و مخاطب این دسته از مجموعه‌ها هر لحظه منتظر یک صحنه جنسی می‌باشد. امری که برخلاف قوانین، عرف و اخلاق حسنه در ایران است (روشن، ۱۳۹۲، ص ۵۰۷).

۲-۴. نقض حق بر تربیت فرزندان

ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی به همکاری زوجین در تربیت فرزندان اشاره می‌کند. مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۸ قانون مدنی نیز به نگاهداری از اطفال و تربیت و مهمل نگذاشتن آنان تصریح می‌کنند. مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». تربیت طفل شامل آموختن آداب اجتماعی و اخلاق مناسب با محیط خانوادگی و کوشش در جهت علم‌آموزی طفل و هدایت طفل در شناسایی محیط و آموختن تجربه زندگی و عادات و رسوم آن می‌باشد (امامی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۰ و کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۵۸۸). امروزه خانواده‌ها، تربیت خاص خود را درباره فرزندان اعمال می‌کنند، اما تبادل‌های خارج از محیط خانواده از طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی همچون سینما، روزنامه، ارزش‌های تازه‌ای را می‌آفرینند. این ارزش‌ها از چارچوب مسائل

دوران کودکی، سنت‌ها، آداب، عقاید و خانواده فراتر می‌روند و به همان میزان، دنیای فرزند را وسعت می‌بخشند و سطح خواسته‌هایش را از جامعه و خود، بالاتر می‌برند. در اثر همین فرآیند است که شاهد تحولات سریع و گسترده‌ای در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی از جمله خانواده بوده‌ایم. نهاد خانواده تحت تأثیر عوامل متعدد درونی و بیرونی، این تغییرات را تجربه کرده است.

رسانه‌ها، از طریق تأثیرگذاری بر ارتباط منفی بین والدین و فرزندان، موجبات شکافت بین روابط آن‌ها را فراهم کرده‌اند و متأسفانه دیگر، این والدین و خانواده نیست که در تربیت فرزند حرف اول را می‌زند. روابط بین فرزندان و والدین با گسترش شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام و وایبر و فیس‌بوک بیش‌ازپیش به سردی گراییده است و نسل امروز در مقایسه با نسل‌های گذشته، کمتر زیر بار ارزش‌های خانواده می‌رود و به توصیه‌های والدین گوش فرا می‌دهد. امروزه، رسانه‌ها بر خانواده، مدارس و مساجد و سایر نهادهای اجتماعی که نقش تربیتی فرزندان را به عهده داشتند، پیشی گرفته‌اند. متأسفانه مشاهده می‌شود که فرزندان الگوهای رفتاری خود را در بسیاری از موارد از رسانه اخذ می‌کنند و با تغییر الگوهای جوانان از بزرگان دین و ادب و اساتید دانشگاه‌ها به بازیگران فیلم‌ها و مجموعه‌ها مواجهیم. با ادامه این روند، احتمال بروز ناهنجاری‌ها به صورت فزاینده بالا می‌رود و خانواده، کنترل فرزندان خود را از دست می‌دهد و با نافرمانی فرزندان از اوامر والدین موجبات کدورت‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی فراهم می‌شود. در چنین وضعیتی، روابط اعضای خانواده با یکدیگر شفاف نیست و خود والدین نیز در شیوه برخورد با معضلات فرزندان خود اظهار ناتوانی می‌کنند و زمینه برای نقش فعال و مؤثر برنامه‌های رسانه‌ها به دست می‌آید؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که والدین از ابتدا، باید نقش فعالی در کمک به کودکان در فهم محتوای رسانه‌ها داشته باشند؛ و به فرزندان خود بیاموزند که محتوای رسانه‌ها همیشه واقعیت ندارد و همیشه سالم و مفید نیست.

والدین باید ساعت‌های استفاده فرزندان از برنامه‌های تلویزیونی و همچنین وسایل ارتباطی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی مختلف را برای آن‌ها محدود کنند و کنترل مستمری بر آن‌ها داشته باشند. از طرفی در نظام حقوقی کشور نیز، الزامات

حقوقی مختلفی برای رسانه‌ها و مسئولان تلویزیون و رادیو پیش‌بینی شود که از جمله آن‌ها، ضرورت اینکه تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ها در ساخت برنامه‌های خود از متخصصان علوم دینی، علوم ارتباطات، روانشناسان و کارشناسان علوم تربیتی بهره بگیرند؛ و همچنین در صورت خرید برنامه‌ها از کشورهای دیگر، ملزم شوند که آن برنامه‌ها را همسو با فرهنگ و سنت‌های کشور تغییر بدهند.

ژان کازنو بیان می‌دارد که بچه‌ای که در سنین پایین، اغلب به تماشای تلویزیون می‌پردازد، واکنش و حتی نظام ارزشی مقبول وی، تحت تأثیر ماشین صوتی و تصویری قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). باندورا هم معتقد است که در عرصه تربیتی، کودکان، با شدت تمام در معرض نمونه‌هایی روشن و زنده از قهر و اجبار^{۱۲} و پرخاشگری قرار می‌گیرند و عمل والدین آن نمونه‌ها را به‌عنوان شیوه‌های مطلوب حل اختلاف و اظهارات تمایلات و خواسته‌ها به آنان معرفی می‌کند (Bandora, ۱۹۷۳, p.۳۷)؛ بنابراین رسانه‌ها هم می‌توانند از طریق تأثیرگذاری بر روابط بین زوجین و هم به‌صورت تأثیر مستقیم بر رفتار فرزندان، فرایند تربیت فرزندان را تحت تأثیر قرار دهند (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۰۷).

مسئله دیگر، هزینه‌نگاری کودکان است که محققان و قوانین کشورها نیز بیشترین توجه خود را به آن اختصاص داده‌اند، زیرا کودکان، در میان دیگر بزه‌دیدگان موقعیت ویژه‌ای دارند؛ چراکه درصد بزه‌دیده شدن آن‌ها بسیار زیاد و امکان کشف جرم و تعقیب مجرمان بسیار کم است و صدمات جسمانی و روانی وارد بر کودکان بیشتر از بزرگسالان است. امکان بزه‌دیده شدن مکرر کودکان بیشتر و نیز امکان تغییر الگوی رفتاری کودک بسیار بیشتر است (Ulrich, ۲۰۰۰, p.۲). شایان‌ذکر است که در حال حاضر، نظام بین‌الملل حقوق بشر، سعی کرده است که از تربیت فرزندان دفاع کند. این دفاع با به رسمیت شناختن حق بر زندگی خانوادگی انجام یافته است. حق بر زندگی خانوادگی که در نظام اروپایی حقوق بشر به‌عنوان حقی بنیادین^{۱۳} (ماده ۸ منشور اروپایی حقوق بنیادین) به رسمیت شناخته شده است؛ شامل: ۱. حق هر فرد انسانی به ازدواج و ۲. تعلق به یک خانواده، ۳. حق زوجین به در کنار هم بودن، ۴. حق بر داشتن فرزند، ۵. حق والدین بر تربیت فرزندان و مراقبت از آن‌ها و ۵. حق کودکان به

زندگی در کنار والدینشان و ۶. حق بر تشکیل خانواده هست. حقوق مزبور ریشه در شأن و کرامت ذاتی^{۱۴} انسان دارند. برای توجیه حق بر زندگی خانوادگی و یافتن مبنای حق مذکور بایستی در فلسفه اعتباریات تدقیق کرد تا نهایتاً نشان داد که حق بر زندگی خانوادگی به معنای عام که شامل حق بر تشکیل خانواده و حق بر ازدواج، حق در کنار هم بودن والدین و فرزندان و حق بر داشتن ملاقات و دیدار با یکدیگر^{۱۵} از حقوق اساسی بشر محسوب می‌شود. در چارچوب این حق و در مورد حقوق کودکان و فرزندان، برخی به این نکته اشاره کرده‌اند که کودک حق دارد که هم در کنار پدر و هم مادر باشد و از هر دوی آن‌ها بهره گیرد و مورد حمایت والدین باشد (Wardle, ۲۰۱۱, p.۵۰). مفاد کنوانسیون حقوق کودک نیز مبتنی بر این است که از نهاد خانواده و انسجام آن و در کنار هم قرار گرفتن اعضای آن دفاع کنند. در بند دوم این ماده نیز حق ارتباط و تماس^{۱۶} و اتحاد و در کنار هم بودن اعضای خانواده^{۱۷} پیش‌بینی شده است و در مورد این تماس‌ها تنها محدودیتی که وجود دارد همان قیودی است که در ماده بیست و نه اعلامیه جهانی ذکر و دولت‌های عضو کنوانسیون با بهانه‌های سیاسی نمی‌توانند جلوی ملاقات‌ها و دیدارهای اعضای خانواده را بگیرند.

جمع‌بندی

خسارت‌های معنوی از جهت نوع خسارت و همچنین ورود خسارت به اشخاص و نهادها یکسان نیستند. طبیعتاً خسارتی که توسط یک شخص بر شخصی دیگر وارد می‌شود، با خسارتی که توسط یک پدیده ارتباطی (مانند ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و...) بر یک واحد بنیادین اجتماعی (خانواده) از حیث نحوه ورود خسارت، میزان و گستردگی جامعه هدف وارد می‌شود متفاوت و بلکه غیرقابل قیاس است. در عصر حاضر رسانه‌ها با تأثیر بر سبک زندگی و الگوی بومی خانواده‌ها سبب سوء معاشرت، سستی مبانی خانواده، دشوار شدن تربیت فرزندان، انحرافات در اخلاق و فرهنگ جنسی خانواده شده‌اند؛ امری که منجر به لطمات و خسارات معنوی به این نهاد بااهمیت و اعضای آن می‌شود. این مسئله از دو جنبه اهمیت دارد. اولاً خصوصیتی که از ناحیه اعضاست و ثانیاً خصوصیتی که مربوط به حقوق خاص این نهاد اجتماعی

است و در برابر سایر پدیده‌ها از جمله رسانه مطرح می‌شود. علم حقوق به‌عنوان علم تنظیم‌کننده روابط نهادها و پدیده‌های اجتماعی نمی‌تواند نسبت به این معضلات و مسائل بیگانه باشد. برای مثال بعد از شیوع یک وسیله ارتباطی (مثل ماهواره و یا راه‌اندازی یک شبکه جدید) آمار خیانت، طلاق، خشونت، افسردگی و... به نحو چشمگیری افزایش پیدا می‌کند و از لحاظ علمی و بررسی‌های آماری و همچنین حکم عرف به سببیت این وسائل ارتباطی در خسارت‌های معنوی وارد بر نهاد خانواده، نمی‌توان پذیرفت که حقوق ناتوان از اثبات لزوم جبران خسارت معنوی در این موارد است. برخی از خسارت‌های معنوی فقط در مورد خانواده خصوصیت دارد. آن هم وقتی که به‌عنوان یک نهاد اجتماعی به آن نگاه شود. این موارد عبارت‌اند از حق بر تحکیم خانواده، حق بر حسن معاشرت در خانواده، حق بر اخلاق جنسی سالم و تربیت فرزندان و سایر موارد. برخی دیگر از خسارات مانند خسارت بر حیثیت، شهرت و اعتبار خانوادگی و نقض حریم خصوصی خانوادگی مختص به خانواده نیست؛ بنابراین نقض هر یک از حقوق ذیل که مختص به خانواده است به‌منزله خسارتی معنوی است که از ناحیه رسانه بر خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی وارد می‌شود. ثانیاً برخی از اعضای خانواده از ویژگی‌هایی برخوردارند که موضوع خسارت معنوی در رابطه با آن‌ها خصوصیت دارد؛ مانند کودکان که در برابر نمایش رفتارهای ضد اجتماعی و مجرمانه بیشتر تأثیر می‌پذیرند. در نتیجه به تقلیدهای خطرناک می‌پردازند؛ و همچنین در مورد زنان نیز حساسیت‌هایی وجود دارد.

یادداشت‌ها

- . Boris Strack
- . Tort
- . Cassidy v.daily mirror papers ltd.
- . <http://saten.ir>
- ۵. Article ۱° Right to respect for private and family life:
 - Everyone has the right to respect for his private and family life, his home and his correspondence
 - . Anomic strain
 - . domestic violence

. right to marry and to found a family

. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

. Eroticization of beauty

. sexual immodesty

. coercion

. FUNDAMENTAL RIGHT

. Inherent dignity

. le droit de visite

. Le droit d'entretenir=Right to maintain

. Reunification familiale

کتابنامه

قرآن کریم.

- ارنسون، الیوت (۱۳۶۹)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، انتشارات رشد.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۹)، «حقوق کودک در برابر رسانه‌ها»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ش ۲۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امامی، سیدحسین (۱۳۷۰)، *حقوق مدنی*، جلد ۴ و ۵، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- انصاری، باقر و همکاران (۱۳۸۱)، *مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی*، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری، چاپ اول.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، *تحولات خانواده، پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون*، ترجمه محمدجعفر پوینده، نشر ماهی.
- پیش‌نویس راهنمای تولیدکنندگان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- توکلی، سعید (۱۳۸۲)، «افتراء و توهین در حقوق کیفری ایران»، *مجله دادرسی*.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۵)، *حقوق خانواده*، چاپخانه حیدری، چاپ اول.
- حدادعادل، غلامعلی (۱۳۸۰)، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، انتشارات سروش.
- حسینی اسفیدواجانی، سید بشیر (۱۳۹۱)، *حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی ایران*، انگلیس و آمریکا، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.

داور، زهرا (۱۳۸۰)، حسن معاشرت از دیدگاه قانون مدنی و جامعه، انتشارات سفیر صبح، چاپ اول.

دستورالعمل برنامه‌سازی رادیو و تلویزیون انگلستان (۱۳۸۰)، مندرج در کتاب: شرکت خبرپراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی) (حاوی دستورالعمل‌هایی بنگاه خبرپراکنی بریتانیا به‌منظور تعیین خط‌مشی واحد برای تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی)، دکتر ناصر بلیغ، تحقیق و توسعه انتشارات صدای شهبور.

رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی.

رفعت‌جاه، محسن (۱۳۸۲)، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم.

روشن، محمد و خلیل‌زاده، سید محمد مهدی (۱۳۹۲)، «حقوق خانواده در برابر پنخش برنامه‌های ماهواره‌ای»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره نهم، شماره ۳۶.

سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، مسئولیت مدنی (خسارت معنوی)، انتشارات نورالثقلین، چاپ اول.

سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی کج‌روی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

صادقی گیوی، فاطمه (۱۳۸۱)، «اخلاق اصالت»، نشریه حوزه و دانشگاه.

طبرسی، امین‌الاسلام فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۲ و ۴، انتشارات فراهانی، چاپ اول. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، چاپ چهارم.

قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۱ (۱۳۸۸)، تدوین جهانگیر منصور، نشر دوران.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی، انقلاب در امور کیفری (۱۳۹۳)، تدوین سید محمد طباطبائی، انتشارات قدس رضوی.

قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۹۱)، تدوین مسلم قزل‌بیگلو، نشر آینه دانش.

قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۲)، تدوین محمدعلی طالبیان، انتشارات فراهوش.

قانون مدنی با آخرین اصلاحیه‌ها و الحاقات همراه با قانون مسئولیت مدنی (۱۳۸۱)، تدوین جهانگیر منصور، نشر دیدار.

قانون مطبوعات با اصلاحات و الحاقات (۱۳۸۲)، تدوین مطلب دوستدار، مشخصات نشر مجد. قلیوبی، نجلاء (۱۳۹۱)، «رسانه‌ها و خانواده»، ترجمه شهربانو تقوی، فصلنامه رسانه و خانواده، سال اول، شماره چهارم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ ششم.

«کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مندرج در سایت پارلمان اتحادیه اروپا»:
www.europarl.europa.eu

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، حقوق مدنی خانواده، جلد اول، چاپ دوم، سهامی انتشار. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، چاپ هشتم، نشر نی. لیبی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «رسانه و ناهنجاری‌ها در خانواده»، روزنامه عصر مردم، ۱۵ فروردین. مجموعه قوانین قانون مجازات اسلامی (۱۳۸۴)، تدوین سعید سعیدآبادی، نشر اورست. محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۲)، «شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده»، فصلنامه رسانه و خانواده، سال دوم، شماره هفتم. ملک‌پرور، فاطمه (۱۳۹۰)، «نقش رسانه‌ها در تغییر ارزش‌ها و هنجارهای خانواده»، فصلنامه رسانه و خانواده، سال اول، شماره اول.

منادی، مرتضی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی خانواده، نشر دانش. مورالی دانیو آندره (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی روابط جنسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات توس. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۹۲)، «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام»، دوفصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، سال ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲. نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۸)، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

یوستی، جیانکارلو (۱۳۷۹)، درس‌های قرن بیستم، ترجمه هرمز همایون‌پور، دو مصاحبه و دو گفتار منتشرشده از کارل پوپر، نشر فروزان.

- Andre, Lucaset Pierre catala (۱۹۸۸), *Code civil*, Edition litec.
- Bandora. A. (۱۹۷۳), *Agression: A social Learning Analysis*, Englewood Glifs. N.J. Prentice Hall.
- Bénabent, Alain (۱۹۹۱), *Droit civil*, Les obligation, ۳^e éd., Paris: Montchrestien.
- Capitant, Henri (۱۹۸۷), *Vocabulaire Juridique*, Association, ۶^e, ed. Puf.
- Charte des droits fondamentaux de l'Union européenne* (۲۰۰۷), Conseil et Parlement européen.
- Clein. J. (۲۰۰۴), "Screening women and elderly adults for family and intermate partner violence", *Journal of clinical guide lines*.
- Code civil de la République Française* (۲۰۱۳), Version consolidée du code au ۱^{er} septembre ۲۰۱۳, Edition, ۲۰۱۳-۱۱-۰۳
- Convention relative aux droits de l'enfant* (۱۹۸۹), ONU.
- Déclaration universelle des droits de l'homme* ۱۹۴۸ (۲۰۱۲), Association des Archivistes suisses.
- Dobash. R. E. (۱۹۷۹), *Violence against wives*. New York, The Free Press.
- Eric, Millard (۲۰۰۰), *Les débats autour de la personnalisation juridique de la famille*, Publié dans "Les Implicites de la politique familiale", M. Chauvière, M. Saussier, B. Bouquet, R. Allard, B.Ribes.
- Givord, Francois (۱۹۳۸), *La repartion du prejudice moral*, These Grenoble, Dalloz.
- La Constitution de la République française* Du ۲۷ Octobre ۱۹۴۶.
- La Constitution de la République française* du ۳ Juin ۱۹۵۸.
- Lavallée, Carmen (۱۹۹۷-۹۸), *La Place De La Famille En Droit Quebecois*, Chronique Bibliographique ۲۸ R.D.U.S.
- Parquet, Muriel (۲۰۰۷), *Droit de la famille*, Editions Bréal.

- Siegel. L. J. (۲۰۰۳), *Criminology*, Belmont. C. A. Wadsworth.
- Strack, Boris (۱۹۷۲), *Droit Civil, Obligation*, Paris: Libraires Technique.
- Synnott, Anthony (۱۹۹۳), *The body social: syrnbolism, self and society*, London: Routledge.
- Tourneau, Philippe et Cadiet (۲۰۰۲), *Loïc, Droit de la responsabilité et des contrats*, Paris: Dalloz.
- Ulrich, Sieber (۲۰۰۰), *Minimum Crirminial Law Standards for Fighting (Child) Pornography*, version ۱, ۲ of ۴.
- Weinberg, Martins (۱۹۵۷), *Sexual Modesty, Social Meanings, and the Nadist Camp, Inlefton, Mark, Skippey, Tamesk and Research Findings*, New york: Appleion- Century- Crofts.
- Wardle, Lynn (۲۰۱۱), "The Disintegration of Families and Children s Right to Their Parents", *Ave Maria Law Review*, Vol ۱۰.
- Zoonen, Liesbetvan (۱۹۹۴), *Feminist Media Studies*, London: Sage.